

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)
فلسفه

۱۴۰۵

گردآورندگان
حسین کفاشیان بیلندی

فهرست مطالب

جدول فراوانی

مقدمه تحلیلی

پیش گفتار	۷
آزمون دکترای فلسفه ۱۴۰۵	
فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب)	۹
پاسخ نامه فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب)	۱۱
درسنامه مروری فلسفه عمومی	۴۲
فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر	۴۷
پاسخ نامه فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر	۵۱
درسنامه مروری فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر	۱۰۴
فلسفه اسلامی	۱۰۸
پاسخ نامه فلسفه اسلامی	۱۱۰
درسنامه مروری فلسفه اسلامی	۱۳۱
واژه نامه	۱۳۳
نمایه موضوعی	۱۴۳
منابع	۱۴۷

جدول توزیع فراوانی موضوعی سوالات آزمون دکتری فلسفه (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

ردیف	حوزه اصلی و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱	فلسفه عمومی و منطق								
۱.۱	منطق قدیم و ارسطویی (قیاس، قضایا، جهات، عکس و نقض)	۵	۴	۳	۴	۳	۳	۱۹	۳.۱۷٪
۱.۲	منطق نمادین، ریاضی، محمولات و موجهات	۵	۶	۵	۳۰	۳۵	۳۴	۱۱۵	۱۹.۱۷٪
۱.۳	فلسفه منطق و نظریه مجموعه‌ها (ZFC، طبقات، پارادوکس‌ها)	۲	۱	۲	۲۲	۱۵	۱۶	۵۸	۹.۶۷٪
۲	فلسفه اسلامی								
۲.۱	امور عامه (اصالت، تشکیک، وحدت، اعتبارات ماهیت، وجود ذهنی)	۸	۸	۷	۵	۵	۵	۳۸	۶.۳۳٪
۲.۲	علل، احکام فاعلی، حدوث و قدم، قوه و فعل، حرکت و زمان	۷	۷	۵	۵	۵	۵	۳۴	۵.۶۷٪
۲.۳	الهیات بالمعنی الاخص (توحید، صفات، براهین واجب، علم الهی)	۵	۶	۵	۴	۴	۴	۲۸	۴.۶۷٪
۲.۴	مکتب اشراق، فلسفه سینوی، حکمت نوصدرایی و عرفان نظری	۷	۶	۵	۴	۴	۴	۳۰	۵.۰۰٪
۳	فلسفه غرب (کلاسیک و مدرن)								
۳.۱	یونان باستان و قرون وسطی (پیشاسقراطیان، افلاطون، ارسطو، آکوئیناس)	۱۰	۹	۷	۷	۷	۷	۴۷	۷.۸۳٪
۳.۲	عصر جدید و عقل‌گرایی/تجربه‌گرایی (دکارت، اسپینوزا، لایبنیتس، هیوم، لاک)	۱۱	۹	۸	۸	۸	۸	۵۲	۸.۶۷٪
۳.۳	فلسفه نقادی کانت (نقد عقل محض، نقد عقل عملی، زیبایی‌شناسی)	۶	۵	۵	۵	۵	۶	۳۲	۵.۳۳٪
۳.۴	ایده‌آلیسم آلمانی و قرن نوزدهم (فیشته، هگل،	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۲۵	۴.۱۷٪

ردیف	حوزه اصلی و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
	شوینهاور، نیچه)								
۴	فلسفه تحلیلی و معاصر								
۴.۱	بنیان‌گذاران فلسفه تحلیلی (فرگه، راسل، مور، ویتگنشتاین متقدم)	۵	۵	۶	۵	۵	۵	۳۱	۵.۱۷٪
۴.۲	پوزیتیویسم منطقی، کواپن و چرخش زبانی (ویتگنشتاین متأخر، آستین، رایل)	۵	۵	۶	۵	۵	۵	۳۲	۵.۳۳٪
۴.۳	پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم و پساساختارگرایی (هوسرل، هایدگر، سارتر، دریدا، فوکو)	۶	۶	۵	۴	۴	۴	۳۰	۵.۰۰٪
۴.۴	هرمنوتیک، فلسفه اخلاق و فرااخلاق	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۱۹	۳.۱۷٪
-	مجموع سوالات حوزه‌های تخصصی فلسفه	۹۰	۹۰	۸۰	۱۱۵	۱۰۵	۱۱۵	۶۰۰	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی

- تحلیل روند تغییرات: تمرکز طراحان از سال ۱۴۰۳ با تفکیک ساختار دفترچه‌ها به‌طور ویژه‌ای به سمت «منطق ریاضی»، «منطق‌های موجه» و «فلسفه منطق» سوق یافته است؛ به‌گونه‌ای که این مباحث در سال‌های اخیر به تنهایی نزدیک به نیمی از بار نمره مباحث تخصصی را تشکیل می‌دهند.
- مباحث کلیدی با فراوانی مستمر:
 ۱. منطق ریاضی و موجهات: مباحث زبان مرتبه اول و دوم، سمانتیک کریپکی و اصول موضوعه منطق‌های موجه پرتکرارترین و پرمتمایزترین بخش آزمون هستند.
 ۲. امور عامه و علل در فلسفه اسلامی: وجود ذهنی، تقسیمات وجود (لغیره و فی نفسه)، اصالت وجود و احکام علت و معلول دارای توزیع کاملاً پایدار در تمامی دوره‌ها هستند.
 ۳. فلسفه کانت و مکاتب عقل‌گرایی/تجربه‌گرایی: تحلیل استعلایی کانت و تمایزهای معرفت‌شناختی دکارت و اسپینوزا از پرتکرارترین پایه‌های بخش غرب محسوب می‌شوند.
 ۴. سنت تحلیلی و زبان: تمایز معنا و مصداق فرگه، نظریه توصیفات راسل و ویتگنشتاین متقدم و متأخر هسته ثابت بخش معاصر را تشکیل می‌دهند.
- توصیه‌های راهبردی مطالعه:
 - تسلط کامل بر فرمول‌بندی‌ها، جداول ارزش، قواعد استنتاج و ساختار مدل‌های معنایی در منطق موجهات و ریاضی.
 - مطالعه متن‌محور متون پایه‌ای فلسفه اسلامی به‌ویژه شروح نهایی الحکمة و الشواهد الربوبية پیرامون احکام عدم، علل و براهین واجب.
 - تفکیک و دسته‌بندی تطبیقی آرای فلاسفه مدرن و تحلیلی در خصوص مباحث محوری معرفت‌شناسی، صدق و فلسفه ذهن.

مقدمه تحلیلی و راهنمای جامع راهبردی آزمون‌های دکترای تخصصی فلسفه (دوره ۶ ساله ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

تحلیل موشکافانه پرسش‌های آزمون ورودی دکترای تخصصی فلسفه در دوره ۶ ساله اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)، بیانگر دگرگونی‌های ساختاری بنیادین، تکامل پارادایم‌های طراحی سوال و تبدیل این ماراتن علمی از یک آزمون مبتنی بر حافظه متنی به سنجشی عمیقاً چندبعدی، مفهومی، استدلالی و روش‌شناختی است. بازطراحی دفترچه‌ها از سال ۱۴۰۳ با تفکیک دقیق عناوین امتحانی و تخصیص بسته‌های مستقل به دروس، گواهی روشن بر حرفه‌ای‌تر شدن فرآیند سنجش شایستگی‌های پژوهشی داوطلبان است. هدف این مقدمه تحلیلی، ترسیم نقشه راه راهبردی، کالبدشکافی ذائقه‌های متغیر طراحان، معرفی کانون‌های طلایی پرسش‌ها، تدوین راهنمای تخصصی موفقیت در مصاحبه دکتری و ارائه چارچوبی عمل‌گرایانه برای هدایت داوطلب به رتبه‌های برتر کشوری است.

۱. کانون‌های پایدار و مباحث همواره پرتکرار (هسته‌های رسوب‌یافته آزمون) بررسی فراوانی داده‌های ۶ سال نشان می‌دهد که برخی مباحث همچون شالوده‌های خلل‌ناپذیر در آزمون عمل می‌کنند:

- **در فلسفه اسلامی:** مبحث «اصالت و تشکیک وجود»، تمایز وجود رابط و فی‌نفسه، احکام جعل و ماهیت و تبیین قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشياء» کانون‌های ثابت هر ساله‌اند. همچنین، نظریه «علیت و اقسام فاعل» (به‌ویژه تفکیک فاعل بالقصد، بالعیانه، بالرضا و بالتجلی) و تحلیل «وجود ذهنی» در پاسخ به اشکالات فخر رازی و شبهه اضافه، هر ساله مستقیماً هدف سوال قرار گرفته‌اند.
- **در فلسفه غرب:** سنت عقل‌گرایی قاره‌ای با محوریت «نظام جوهری دکارت، یگانه‌نگاری اسپینوزا و منادولوژی لایبنیتس» همواره وزن بالایی خود را حفظ کرده است. در کنار آن، منظومه نقادی «ایمانوئل کانت» (تمایز استعلایی فنومن/نومن، استنتاج استعلایی مقولات، ایده‌آل‌های عقل محض در دیالکتیک و قانون اخلاقی خودآیینی) به منزله قلب تپنده بخش غرب در تمامی ادوار حضور پررنگ داشته است.
- **در منطق صوری و جدید:** احکام قضایای حملی و شرطی، قواعد عکس و نقض، استلزام‌های منطقی و ترجمه صوری در منطق گزاره‌ها و محمولات مرتبه اول، پایه ثابت نمره بیست‌درصدی دفترچه‌ها بوده است.

۲. چرخش‌های پارادایمی و تغییر تمرکز طراحان (شیفت‌های روش‌شناختی)

تحلیل تاریخی آزمون سه شیفت پارادایمی آشکار را برجسته می‌سازد:

- **گذار از تاریخ‌نگاری صرف به تحلیل مفهومی-مسئله‌محور:** سوالات سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بیشتر معطوف به انتساب گزاره‌ها به متفکران و تعاریف اصطلاحی بود؛ اما از سال ۱۴۰۳ به بعد، طراحان به سوی «تحلیل استدلال‌ها و کشف تناقضات درونی مکاتب» حرکت کرده‌اند (نظیر ارزیابی پیامدهای نفی فریبکاری در دکارت، پارادوکس‌های مفهوم‌نگاری فرگه و نسبت ضرورت و آزادی در کانت).
- **جهش استراتژیک به سوی فلسفه تحلیلی، فلسفه زبان و منطق‌های فلسفی:** طراحان توجه خود را به شدت به چرخش زبانی (Linguistic Turn) معطوف کرده‌اند. مفاهیمی چون افعال گفتاری، نظریه کاربردی معنا، عروج معناشناختی، نظریه توصیفات معین، و به ویژه سرفصل مستقل منطق‌های غیرکلاسیک (منطق موجهات کریپکی، سمانتیک جهان‌های ممکن، منطق‌های چندارزشی، شهودگرایی و نظریه مجموعه‌ها) به وزنی غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل شده‌اند.
- **ارتقای رویکرد تطبیقی و شبکه‌ای:** طرح تست‌های زنجیره‌ای که در آن‌ها یک پرسش در فلسفه عمومی، پیش‌نیاز حل تستی تخصصی در فلسفه غرب یا اسلامی در صفحات بعدی است (مانند پیوند میان فاعل بالقصد و مبادی افعال اختیاری، یا پیوند میان نزاع کلیات در قرون وسطی با نظریه تجرید ارسطو و مفهوم‌گرایی آبلار).

۳. تبارشناسی فیلسوفان و چهره‌های صدرنشین در بسامد سوالات

- **صدرنشینان فلسفه اسلامی:** ۱. «ملاصدرا» (حکمت متعالیه، اتحاد عاقل و معقول، حرکت جوهری، توحید وجودی)؛ ۲. «ابن‌سینا» (طبیعیات، تمایز وجود و ماهیت، برهان صدیقین سینیوی، اقسام عقل)؛ ۳. «علامه طباطبایی» (نهایه الحکمه، بساطت صفات، اعتباریات، تحلیل وجود رابط)؛ ۴. «شیخ اشراق سهروردی» (حکمت نوری، شارحان مکتب اشراق، برزخ، اعراض نوری).

- **صدرنشینان فلسفه غرب کلاسیک و مدرن:** ۱. «ایمانوئل کانت» (رکورددار بالاترین تکرار سالانه، از هر سه نقد)؛ ۲. «رنه دکارت» (کوگیتو، ثنویت، خداشناسی و فیزیک مکانیکی)؛ ۳. «ارسطو و افلاطون» (متافیزیک، نظریه مثل، اخلاق فضیلت، ماده و صورت)؛ ۴. «باروخ اسپینوزا» (طبیعت خلاق/مخلوق، جبر، صفات و حالات).

- **صدرنشینان فلسفه تحلیلی و معاصر:** ۱. «لودویگ ویتگنشتاین» (رساله منطقی-فلسفی و پژوهش‌های فلسفی)؛ ۲. «برتراند راسل» (اتمیسیم منطقی، نظریه طبقات، ساخته‌های منطقی)؛ ۳. «ویلارد کواپن» (نفی دوجزم، کل‌گرایی، معرفت‌شناسی طبیعی‌شده)؛ ۴. «ادموند هوسرل و هایدگر» (اپوخه، تقویم، حیث التفاتی و دازاین).

۴. **راهنمای اختصاصی مصاحبه علمی دکتری (Ph.D. Interview Insights)** موفقیت نهایی در قبولی دکتری نیازمند تبدیل دانش تستی به بینش تحلیلی در جلسه مصاحبه دانشگاه‌ها است؛ اساتید در جلسه مصاحبه به دنبال حافظه طوطی‌وار نیستند، بلکه توانایی نقد، تبیین پیوندهای میان‌رشته‌ای، تسلط بر متون دست‌اول و قابلیت تدوین پروپوزال را می‌سنجند:

- **استراتژی پاسخ به پرسش‌های فلسفه اسلامی در مصاحبه:** به جای اکتفا به تعاریف رایج، مستقیماً به استدلال‌های فنی کتاب «الاسفار الاربعه» و نوآوری‌های علامه طباطبایی ارجاع دهید. برای مثال، در مبحث «وجود ذهنی»، به جای بیان کلیات ادراک، گره‌گشایی ملامت‌درا با ابداع تفکیک میان «حمل اولی ذاتی» و «حمل شایع صناعی» در رد شبهات فخررازی را کالبدشکافی کنید. همچنین پیوند قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشياء» با مسئله نفی ترکیب و عینیت صفات الهی را با نظریه سادگی الهی (Divine Simplicity) در فلسفه دین معاصر تطبیق دهید تا نبوغ تطبیقی شما آشکار شود. مطالعه دقیق جلد دوم «تاریخ فلسفه اسلامی» هانری کربن پیرامون شارحان سهروردی (شهرزوری، قطب‌الدین شیرازی و دوانی) برای مصاحبه‌های گرایش حکمت اشراق تعیین‌کننده است.

- **استراتژی مانور در فلسفه غرب و ایده‌پردازی برای پروپوزال:** اساتید فلسفه غرب شیفته تبیین گسست‌های اپیستمولوژیک هستند. در مصاحبه، نشان دهید چگونه گذار از ارسطو به افلاطون در رنسانس، پارادایم شناخت را از کیفیات به ریاضیات هندسی تغییر داد و زمینه انقلاب علمی را هموار کرد. در مباحث کانتی، بر پارادوکس آنتی‌نومی سوم (سازگاری جبر علی در عالم پدیدار با آزادی اراده در عالم نومن) دست بگذارید و نقد دیالکتیکی هگل در کتاب فلسفه حق (تقابل Morality انتزاعی با Sittlichkeit انضمامی) را پیش بکشید که تم ناب برای نگارش رساله است. در نزاع کلیات، استقراض توماس آکوئیناس از رساله الهیات شفای ابن‌سینا و اعتبارات سه‌گانه ماهیت (لا بشرط، بشرط شیء، بشرط لا) در تثلیث کلیات اسکولاستیک را مطرح نمایید.

- **استراتژی ورود به فلسفه تحلیلی، زبان و پدیدارشناسی:** طرح بن‌بست‌های منطقی و راه‌حل‌های پسینی امتیاز خارق‌العاده‌ای دارد؛ در بحث ویتگنشتاین، پیوند نظریه کاربردی معنا با استدلال زبان خصوصی (Private Language Argument) را تحلیل کنید و ثابت نمایید چرا زبان ذاتاً خصوصی ناممکن است. در مباحث کواپن، تنش درونی میان «کل‌گرایی معنایی» در مقاله دو جزم با «رفتارگرایی خردنگر» در کتاب کلمه و شیء را نقد کنید که ایده‌ای بکر برای مقالات پژوهشی است. در سنت پدیدارشناسی، نقد مرلوپونتی در کتاب پدیدارشناسی ادراک بر هوسرل مبنی بر ناممکن بودن اپوخه کامل به سبب بدن‌مندی انسان (Embodiment) را به عنوان تسلط بر جریان‌های پسا‌هوسرلی مطرح سازید.

- **مهارت‌های کلیدی ارائه پروپوزال در مصاحبه:** یک طرح‌واره پیشنهادی آماده با موضوعات ترکیبی مدرن همراه داشته باشید؛ موضوعاتی چون «بررسی تطبیقی حیث التفاتی در پدیدارشناسی و فلسفه اسلامی»، «تحلیل کارکرد استدلال عروج معناشناختی کواپن در حل مسائل هستی‌شناختی معاصر» یا «بررسی منطق تکلیفی بر پایه اصل خودآیینی کانت» توجه اساتید را به عنوان داوطلبی صاحب‌مسئله جلب می‌کند.

۵. **نقشه راه استراتژیک مطالعه برای آزمون کتبی (مدیریت زمان و تراز)**

- **گام نخست (پایه‌گذاری مفاهیم بنیادین):** خوانش تحلیلی متن «نهایه الحکمه» علامه طباطبایی با تمرکز ویژه بر مراحل قوه و فعل، علت و معلول، مقولات ده‌گانه و الهیات بالمعنی‌الخاص.

- **گام دوم (تسلط بر دوقطبی کانت و فلاسفه تحلیلی):** درک معماری سه‌گانه نقد کانت در کنار تسلط بر مقالات کلیدی فلسفه تحلیلی قرن بیستم (نظیر «دو جزم تجربه‌گرایی» کواپن، «پژوهش‌های فلسفی» ویتگنشتاین و «افعال گفتاری» آستین)؛ زیرا این متون بیش از ۶۰ درصد سوالات غرب را پوشش می‌دهند.

- **گام سوم (کسب برتری رقابتی در منطق‌های پیشرفته):** تسلط بر منطق موجهات و ریاضی که از سال ۱۴۰۳ سهمی کلیدی یافته‌اند؛ تسلط بر سمانتیک کریپکی و اصول موضوعه نظام‌های T، S و S۵ برگ برنده کسب رتبه‌های تکرریمی است.

پیش‌گفتار

به نام یگانه هستی‌بخش دانایی‌آفرین؛ اثر حاضر، حاصل کوششی روش‌مند، جامع و متعهدانه در مسیر رفع یکی از جدی‌ترین خلاءهای آموزشی و پژوهشی تحصیلات تکمیلی در رشته فلسفه است. آزمون ورودی دوره دکترای تخصصی (Ph.D) در سال‌های اخیر از آزمون‌های متکی بر سنجش حافظه کوتاه‌مدت یا گردآوری نقل‌قول‌های سنتی، به میدانی‌چندوجهی، به‌شدت استدلالی، مفهومی و مسأله‌محور بدل شده است. بر همین مبنا، این مجموعه با هدف ارائه یک مرجع یکپارچه و نقشه راه مطمئن برای دانشجویان، پژوهشگران و داوطلبان ورود به مقطع دکتری تدوین شده است تا نه تنها پاسخ‌گوی نیاز سنجش علمی در آزمون کتبی باشد، بلکه توان تحلیل انتقادی داوطلب را در مصاحبه‌های علمی ارتقا دهد و او را به افق‌های نوین پژوهش متصل سازد.

روش‌شناسی تهیه، گردآوری و تحلیل داده‌ها فرآیند تدوین این کتاب بر پایه اصول سنجش آموزش عالی، تحلیل متون دست‌اول و انطباق بر سرفصل‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم استوار است. گام‌های اساسی در تدوین این مجموعه به شرح زیر طی شده است:

۱. **گردآوری و مستندسازی دقیق:** تمامی آزمون‌های برگزارشده در دوره شش‌ساله اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) از دفترچه‌های رسمی و سازمان‌یافته سازمان سنجش استخراج و با کلیدهای رسمی بازبینی و پالایش شده‌اند.
۲. **تفکیک و کالبدشکافی موضوعی:** تمامی سوالات در ساختاری سلسله‌مراتبی شامل حوزه‌های اصلی (فلسفه عمومی و منطق، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب کلاسیک و مدرن، فلسفه تحلیلی، پدیدارشناسی، هرمنوتیک و اخلاق) و ریزمباحث تفکیک و در جدول توزیع فراوانی ثبت شده‌اند تا سمت‌وسوی ذائقه طراحان به وضوح نمایان شود.
۳. **پاسخ‌نامه تحلیلی هشت‌محوره:** بر خلاف شیوه‌های سنتی که به ذکر نام گزینه یا نقل‌قولی کوتاه بسنده می‌کنند، تک‌تک سوالات این مجموعه بر اساس الگوی جامع هشت‌گانه تدوین شده‌اند: ۱. موضوع و هدف سوال، ۲. پاسخ تشریحی استدلالی، ۳. مستندسازی متنی از منابع دست‌اول، ۴. سیر تطور تاریخی، ۵. شرح شخصیت‌ها و مکاتب، ۶. واژه‌شناسی و معادل‌های لاتین/یونانی/آلمانی، ۷. کالبدشکافی علل بطلان سایر گزینه‌ها (تحلیل سلبی)، و ۸. تکنیک میان‌بر و رد گزینه تستی.
۴. **تدوین درسنامه‌های مروری پایانی:** در انتهای هر مبحث تخصصی، خلاصه فشرده و منسجم تمامی مبانی فلسفی و منطقی به همراه کادرهای ماتریسی و مقایسه‌ای تنظیم شده است تا داوطلب در واپسین روزهای منتهی به آزمون بتواند تمامی پیوندهای مفهومی را بازخوانی کند.

کالبدشکافی بخش‌ها و محتویات تفصیلی مجموعه ساختار کتاب به گونه‌ای مهندسی شده است که مخاطب را گام‌به‌گام از سطوح آماری تا عمیق‌ترین ظرایف معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی هدایت نماید:

- **جدول جامع توزیع فراوانی و گزارش تحلیلی:** در مطلع کتاب، جدول آماری دقیق تمام مباحث در بازه زمانی شش‌ساله قرار دارد که وزن هر سرفصل، سهم نسبی هر موضوع و شیفت‌های پارادایمی طراحان (نظیر رشد فوق‌العاده سرفصل‌های منطق ریاضی، موجهات، فلسفه زبان و فرااخلاق از سال ۱۴۰۳ به بعد) را با شفافیت ریاضی ترسیم می‌کند.
- **مقدمه تحلیلی و راهنمای راهبردی مصاحبه علمی دکتری:** در این بخش، تبارشناسی شخصیت‌های پیش‌تاز در آزمون (کانت، دکارت، ملاصدرا، ابن‌سینا، علامه طباطبایی، کواین و ویتگنشتاین) ارائه شده و راهبردهای ورود به مصاحبه شفاهی دانشگاه‌ها، ایده‌های تدوین پروپوزال، و پیوند مباحث تستی با رساله‌های دکتری تشریح گردیده است.
- **بخش آزمون و پاسخ‌های فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی و غرب):** شامل سوالات مشترک و بنیادین آزمون، با تمرکز بر مباحث پایه‌ای هستی‌شناسی اعراض، مسئله وجود ذهنی، اقسام فاعل عالم، شارحان مکتب اشراق، فلسفه رنسانس، نزاع کلیات در قرون وسطی، فلسفه اخلاق و نظریه شناخت کانت، زیبایی‌شناسی هگل و نسبت فضا و زمان در لایبنیتس و نیوتن.

- **بخش تخصصی فلسفه غرب، فلسفه تحلیلی و معاصر:** پوشش همه‌جانبه جریان‌های قرن بیستم و بیست‌ویکم؛ از نقد ثنویت دکارتی در مکتب زبان عادی، نظریه افعال گفتاری آستین، نظریه کاربردی معنا و تناظر تصویری ویتگنشتاین، تا نظریه طبقات راسل، عروج معناشناختی و نقد دو جزم کواین، روش اپوخه و پدیدارشناسی هوسرل، و اخلاق ناطبعی مور.

- **بخش تخصصی فلسفه اسلامی و الهیات بالمعنی‌الاصح:** واکاوی موشکافانه آرای سینوی و صدرایی پیرامون اشتراک معنوی، تشکیک، جعل، اتحاد عاقل و معقول، مجرد نفس، اعتبارات ماهیت، و براهین واجب‌الوجود بر پایه شروح معتبر اسفار و نهاییه.

- **واژه‌نامه تخصصی و استانداردهای جهانی (Glossary):** مجموعه‌ای کم‌نظیر از تعاریف مبسوط اصطلاحات سه‌زبانه فلسفی (فارسی، عربی، انگلیسی/لاتین/آلمانی) همراه با تبارشناسی لغوی و اصطلاحی، به منظور تسلط بر زبان متون اصلی و درک تله‌های واژگانی.

- **نمایه موضوعی و تحلیلی دقیق (Index):** فهرست جامع الفبایی اصطلاحات، مکاتب و فلاسفه به همراه شماره صفحات، تا داوطلب بتواند ردپای هر مفهوم را در کل ادوار آزمون در کوتاه‌ترین زمان ممکن ردیابی کند.

- **کتاب‌نامه و فهرست منابع استاندارد (بر اساس APA):** مستندسازی علمی و ارجاع استاندارد به متون اصیل دست‌اول فارسی، عربی و ترجمه‌های معتبر دانشگاهی در حوزه فلسفه شرق و غرب.

امید است این اثر ارجمند بتواند چراغ راهی مطمئن و اثربخش برای تمامی پویندگان و شیفتگان حکمت و فلسفه باشد و راه دشوار ورود به مقطع دکترای تخصصی را به مسیری دلنشین، عمیق و آکادمیک بدل سازد.

حسین کفاشیان بیلندی

پاییز ۱۴۰۵

آزمون دکترای فلسفه ۱۴۰۵

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب)



۱. در کدام عبارت هر سه نفر از شارحین سهروردی محسوب میشوند؟
 - (۱) خواجه نصیرالدین طوسی، ابن کمونه، علامه حلی
 - (۲) میرداماد، حاج ملاهادی سبزواری، شیخ احمد احسایی
 - (۳) ابوالبرکات بغدادی، جلال الدین دوانی، رجبعلی تبریزی
 - (۴) شمس الدین شهرزوری، قطب الدین شیرازی، جلال الدین دوانی
۲. کدام یک مثال نقضی بر نظریه اضافه در مبحث وجود ذهنی است؟
 - (۱) علم به طلا و جیوه
 - (۲) علم به کوه طلا و دریای جیوه
 - (۳) علم به هرگونه محسوس خارجی
 - (۴) علم توأمان به اسب و نقاشی اسب
۳. طبق نظر سهروردی کسانی در بالاترین طبقه حکما هستند که
 - (۱) در سلسله موجودات آسمانی و روحانی قرار گرفته اند.
 - (۲) به معرفت صوری واصل شده اند و در استدلال به کمال رسیده اند.
 - (۳) هم در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند و هم به عرفان و اشراق دست یافته اند.
 - (۴) به استدلال و بحث توجهی ندارند و به تصفیه نفس پرداخته و به کشف و شهود نائل شده اند.
۴. با توجه به مباحث مطرح شده درباره اعراض معلوم میشود که وجود آنها
 - (۱) سبب طرد عدم از موضوع خود و صورتهای جوهری میشود.
 - (۲) از نوع وجود لغیره است که سبب موجود شدن موضوع خود میشود.
 - (۳) از نوع وجود لنفسه است که تنها سبب طرد عدم از ماهیت خود میشود.
 - (۴) سبب طرد عدم از ماهیت خود و نیز طرد نوعی از عدم از موضوع خود میشود.
۵. کدام یک از اشکالات گرفته شده بر نظریه وجود ذهنی نیست؟
 - (۱) یک چیز هم کلی و هم جزئی باشد.
 - (۲) علم به معدومات خارجی نداشته باشیم.
 - (۳) خود ماهیت خارجی در ذهن حاصل شود.
 - (۴) نفس و ذهن محل جمع اضداد گردد.
۶. کدام یک از انواع تغییر مقرون با حرکت است؟
 - (۱) فقط تغییر دفعی
 - (۲) تمامی انواع تغییر
 - (۳) فقط تغییر تدریجی
 - (۴) فقط تغییر شیء در احوال عرضی آن
۷. عبارت «هو الذی له ارادة و علم بفعله قبل الفعل بداع زائد» از چه فاعلی حکایت میکند؟
 - (۱) بالقصد
 - (۲) بالعنايه
 - (۳) بالرضا
 - (۴) بالتجلی
۸. بر اساس مقدمه حکمة الاشراق دیدگاه سهروردی درباره ثنویت موجود در آیین زرتشت و آیین مانی چیست؟
 - (۱) اولی به توحید باز میگردد ولی دومی شرک آمیز است.
 - (۲) دومی به توحید باز میگردد ولی اولی شرک آمیز است.
 - (۳) هر دو به توحید باز میگردند.
 - (۴) هر دو شرک آمیزند.



۹. کدام مورد دیدگاه علامه طباطبایی درباره صفات ذاتی خداوند را به طور کامل بیان میکند؟
 (۱) از نظر مفهوم و مصداق عین هم هستند.
 (۲) از نظر مفهوم و مصداق متفاوت هستند.
 (۳) از نظر مفهوم متفاوت ولی از نظر مصداق عین هم اند.
 (۴) از نظر مصداق متفاوت ولی از نظر مفهوم عین هم اند.
۱۰. کدام مورد نظر مشائیان درباره اعراض را بیان میکند؟
 (۱) تنها به علل ماهیت نیازمندند.
 (۲) تنها به علل وجود نیازمندند نه علل ماهیت
 (۳) هم به علل وجود نیازمندند و هم به علل ماهیت
 (۴) بعضی از اعراض به علل وجود و برخی به علل ماهیت نیازمندند.
۱۱. کدام مورد از اوصاف دوره رنسانس (نوزایی فرهنگی) است؟
 (۱) اقتدار مذهبی
 (۲) رواج ارسطوگرایی
 (۳) رواج افلاطون گرایی
 (۴) مخالفت با نگرش ریاضی
۱۲. کدام فیلسوف هرمنوتیک را به صورت یک علم عام در آورد؟
 (۱) ارسطو
 (۲) دیلتای
 (۳) گادامر
 (۴) شلایر ماخر
۱۳. در نیمه اول قرون وسطی کدام فیلسوف آثار منطقی ارسطو را به جهان لاتینی زبان معرفی کرد؟
 (۱) اریوگنس (اریژن)
 (۲) آگوستینوس
 (۳) بوئتیوس
 (۴) خالکیدیوس (کالسیدیوس)
۱۴. توماس آکوئیناس در خصوص کلی بعد از شیء (بعد الکثرة)، کدام عقیده را ترجیح میدهد؟
 (۱) اصالت مفهوم ارسطویی
 (۲) اصالت تسمیه معتدل
 (۳) اصالت واقع افراطی
 (۴) اصالت واقع معتدل
۱۵. کدام یک از موارد زیر با امر مطلق کانت مطابقت نمی کند؟
 (۱) ما باید به دستوری عمل کنیم که بتواند به قانون کلی مبدل شود.
 (۲) ما باید به دستوری عمل کنیم که انسانیت را به عنوان وسیله تلقی نکند.
 (۳) ما باید به دستوری عمل کنیم که برای ملکوت غایات قانون کلی وضع کند.
 (۴) ما باید به دستوری عمل کنیم که اراده به واسطه آن نتواند خود را همچون بنیانگذار قانون کلی تلقی کند.
۱۶. کدام مورد با سه تای دیگر همخوانی ندارد؟
 (۱) خیر افلاطون
 (۲) عقل کلی افلوپین
 (۳) واحد پارمنیدس
 (۴) عقل عقل ارسطو
۱۷. موضع مفهوم گرایی در مبحث کلیات در قرون وسطی به کدام فیلسوف یونانی نسبت داده میشود؟
 (۱) ارسطو
 (۲) افلوپین
 (۳) افلاطون
 (۴) پورون
۱۸. هگل هنر رمانتیک را برتر از سایر هنرها میداند چون در هنر رمانتیک
 (۱) صورت بر محتوا غلبه دارد.
 (۲) محتوا فراتر از صورت میرود.
 (۳) بین محتوا و صورت توازی برقرار است.
 (۴) نه صورت نه محتوا نمیتوانند بیانگر روح باشند.
۱۹. کدام فیلسوف عقل گرا زمان و مکان را نسبت میان رویدادها و اشیاء میداند؟
 (۱) اسپینوزا
 (۲) دکارت
 (۳) لایب نیتس
 (۴) مالبرانش
۲۰. به نظر کانت جستجوی امر نامشروط (مطلق) توسط عقل از طریق قیاس انفصالی به شکل گیری کدام مفهوم می انجامد؟
 (۱) خدا
 (۲) اراده
 (۳) جهان
 (۴) نفس



۱. گزینه ۴)

موضوع سوال:

این سؤال به یکی از مباحث پایه‌ای در تاریخ فلسفه اسلامی، یعنی شناخت شارحان مکتب اشراق و جریان‌شناسی انتقال اندیشه‌های شهاب‌الدین یحیی سهروردی اختصاص دارد. در اینجا تسلط بر کتاب‌شناسی و تبارشناسی فلاسفه پس از سهروردی مورد پرسش قرار گرفته است.

پاسخ تشریحی

حکمت اشراق سهروردی پس از کشته شدن وی، توسط شاگردان بی‌واسطه و باواسطه او در قالب شروح متعددی بر آثار اصلی‌اش بسط یافت. در گزینه چهارم، هر سه شخصیت از شارحان مسلم و تأثیرگذار سهروردی به شمار می‌روند:

- **شمس‌الدین شهرزوری:** نخستین شارح بزرگ مکتب اشراق که هم بر «حکمة الاشراق» و هم بر «التلویحات» سهروردی شرح نوشت و رسالت حفظ و ترویج میراث او را در قرن هفتم بر عهده داشت.
- **قطب‌الدین شیرازی:** از نوابغ قرن هفتم و هشتم که مشهورترین و متداول‌ترین «شرح حکمة الاشراق» را به نگارش درآورد. شرح او همواره به عنوان متن درسی مکتب اشراق در حوزه‌های فلسفی تدریس شده است.
- **جلال‌الدین دوانی:** از فلاسفه برجسته مکتب شیراز در قرن نهم که کتاب «شواکل الحور فی شرح هیاکل النور» را در شرح رساله «هیاکل النور» سهروردی به رشته تحریر درآورد.

مستندسازی

قطب‌الدین شیرازی در دیباچه شرح خود بر حکمة الاشراق در بیان عظمت این متن می‌نویسد: «فإن کتاب حکمة الإشراق... قد طار صيته فی الآفاق، و اشتهر فی الخلائق ذکره...» (همانا آوازه کتاب حکمة الاشراق در کرانه‌ها پیچیده و یاد آن در میان مردمان شهره گشته است). این عبارات نشان‌دهنده جایگاه تثبیت‌شده متون سهروردی در کمتر از یک قرن پس از حیات اوست که ضرورت نگارش شروح تحلیلی را برای فلاسفه بعدی ایجاب می‌کرد.

سیر تطور تاریخی

پس از سهروردی، مکتب اشراق دچار فترت کوتاهی شد تا اینکه در قرن هفتم توسط شهرزوری و سپس قطب‌الدین شیرازی مجدداً احیا گردید. این شروح، فلسفه اشراقی را که زبانی نمادین و نوری داشت، با ادبیات استدلالی و مشائی ممزوج کردند تا برای جامعه علمی قابل فهم‌تر باشد. این مسیر تکاملی سپس از طریق مکتب شیراز (دوانی و دشتکی) به حکمت متعالیه ملاصدرا منتقل شد و شالوده بسیاری از مبانی صدرایی را شکل داد.

شرح شخصیت‌ها

- **ابن کمونه:** اندیشمند یهودی‌تبار قرن هفتم که گرچه در گزینه اول ذکر شده، اما یکی از شارحان مهم سهروردی است و «شرح التلویحات» از آثار برجسته اوست.
- **خواجه نصیرالدین طوسی:** احیاگر مکتب مشاء و شارح بزرگ ابن‌سینا («شرح الاشارات و التنبیهات»). او گرایشی به مکتب اشراق نداشت.
- **ابوالبرکات بغدادی:** فیلسوفی مستقل و منتقد ابن‌سینا که پیش از سهروردی و مقارن با او می‌زیست («المعتبر فی الحکمة») و شارح کسی محسوب نمی‌شود.

واژه‌شناسی

- **فلسفه اشراق (Illuminationism):** مکتبی فلسفی که توسط سهروردی پایه‌گذاری شد و در برابر رویکرد صرفاً استدلالی و مفهوم‌محور مکتب مشاء (Peripateticism)، بر ترکیب «استدلال عقلی» (بحث) و «شهود قلبی» (تأله) تأکید دارد. هستی‌شناسی این مکتب بر پایه «نور» و مراتب شدت و ضعف آن بنا شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱:** خواجه نصیرالدین طوسی شارح ابن‌سینا (مشاء) است و علامه حلی عمدتاً متکلم و فقیه است و هیچ‌کدام شارح سهروردی نیستند. در این گزینه تنها ابن‌کمونه شارح سهروردی است.



- **تحلیل گزینه ۲:** میرداماد پایه‌گذار مکتب اصفهان، ملاهادی سبزواری شارح و مروج حکمت متعالیه صدرایی، و شیخ احمد احسائی بنیان‌گذار مکتب شیخیه است. هیچ‌یک از این افراد به عنوان شارح متون سهروردی شناخته نمی‌شوند.
- **تحلیل گزینه ۳:** ابوالبرکات بغدادی صاحب مکتبی مستقل است و رجبعلی تبریزی از فلاسفه دوره صفویه با گرایش تنزیهی (الهیات سلبی) است. حضور جلال‌الدین دوانی در این گزینه به تنهایی برای درستی آن کفایت نمی‌کند.

نکات تکمیلی

شروح نوشته شده بر آثار سهروردی صرفاً ماهیت فلسفی نداشتند؛ بلکه به دلیل ظرفیت بالای حکمت اشراق در تبیین تجربیات شهودی، این متون به شدت مورد توجه عرفای نظری (پیروان ابن عربی) نیز قرار گرفت. تطبیق زبان «نور» در مکتب اشراق با زبان «وجود» در عرفان نظری، از طریق همین شروح پایه‌گذاری شد.

کادرهای جمع‌بندی

شارح	قرن حیات	اثر مشهور در شرح سهروردی	رویکرد کلی
شمس‌الدین شهرزوری	هفتم هجری	شرح حکمة الاشراق / شرح التلویحات	وفاداری کامل به مبانی و لحن اشراقی
قطب‌الدین شیرازی	هفتم و هشتم	شرح حکمة الاشراق	تبیین و سیستم‌سازی منطقی متون اشراقی
جلال‌الدین دوانی	نهم هجری	شواکل الحور فی شرح هیاکل النور	ترکیب مبانی اشراقی با کلام و مکتب شیراز
ابن کمونه	هفتم هجری	شرح التلویحات	رویکرد تحلیلی و انتقادی

راه حل تستی

تکنیک رد گزینه: در آزمون‌های دکترای، طراحان معمولاً اسامی بسیار مشهور را که تعلق مکتبی مشخصی دارند به عنوان «کلمات کلیدی انحرافی» در گزینه‌های غلط قرار می‌دهند. با دیدن نام «خواجه نصیرالدین طوسی» (نماد مکتب مشاء) در گزینه ۱، «حاج ملاهادی سبزواری» (نماد حکمت متعالیه) در گزینه ۲، و «ابوالبرکات بغدادی» (مستقل) در گزینه ۳، بلافاصله می‌توان هر سه گزینه را بدون نیاز به بررسی سایر اسامی رد کرد و در کمتر از ۱۰ ثانیه به پاسخ صحیح (گزینه ۴) دست یافت.

ایده برای مصاحبه دکتری

برای درخشش در مصاحبه دکتری پیرامون جریان‌شناسی مکتب اشراق، مطالعه جلد دوم کتاب *تاریخ فلسفه اسلامی* اثر هانری کربن (بخش مربوط به شارحان سهروردی) به شدت توصیه می‌شود. همچنین، بررسی انتقادی این موضوع که «قطب‌الدین شیرازی تا چه حد در شرح خود آرای سهروردی را با مبانی مشائی ابن‌سینا خلط کرده است»، می‌تواند یک ایده ناب و بدیع برای رساله دکتری یا تدوین مقالات علمی-پژوهشی باشد.

۲. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال یکی از مهم‌ترین چالش‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در فلسفه اسلامی، یعنی اثبات «وجود ذهنی» و ابطال نظریه رقیب آن (نظریه اضافه) را هدف قرار داده است. تبیین نحوه علم انسان به امور معدوم و موهوم، پاشنه آشیل نظریه اضافه به شمار می‌رود.

پاسخ تشریحی

در مبحث چیستی علم، یکی از نظریات مطرح (که غالباً به فخر رازی و برخی متکلمان نسبت داده می‌شود)، «نظریه اضافه» است. بر اساس این دیدگاه، علم صرفاً یک نسبت و اضافه میان «عالم» (نفس درک‌کننده) و «معلوم» (شیء خارجی) است و هیچ صورت یا وجود مستقلی در ذهن شکل نمی‌گیرد.

قاعده عقلی اقتضا می‌کند که «الاضافه تقتضی وجود المضافین» (تحقق یک رابطه، نیازمند وجود قطعی دو طرف آن رابطه است). بنابراین، اگر علم صرفاً یک اضافه باشد، باید معلوم همواره در خارج موجود باشد تا این رابطه شکل بگیرد. حال فیلسوفان برای ابطال این نظریه، به «مفاهیم موهوم و معدوم» استناد می‌کنند. ما به مفاهیمی چون «کوه طلا» (جبل من ذهب) یا «دریای جیوه» (بحر من زئبق) علم داریم و می‌توانیم درباره آن‌ها حکم صادر کنیم، در حالی که این اشیاء در جهان خارج وجود ندارند. از آنجا که یک



طرف اضافه (معلوم خارجی) مفقود است، علم نمی‌تواند صرفاً یک اضافه باشد؛ بلکه این مفاهیم باید در ظرف دیگری به نام «ذهن» موجود باشند. این استدلال، برهان قاطعی بر اثبات وجود ذهنی است.

مستندسازی

ملاصدرا در کتاب عظیم *الاسفار الاربعة* در ابطال نظریه اضافه و اثبات وجود ذهنی می‌نویسد:
«لو كان العلم مجرد الإضافة لزم أن لا يعلم المعدوم... ولكننا نعلم المعدومات ونحكم عليها بأحكام إيجابية...» (اگر علم صرفاً همان اضافه می‌بود، لازمه‌اش این بود که به امر معدوم نتوان علم پیدا کرد... در حالی که ما به معدومات علم داریم و احکام ایجابی بر آنها بار می‌کنیم).

سیر تطور تاریخی

ریشه این بحث به تقابل متکلمان و فلاسفه بازمی‌گردد. متکلمان برای فرار از شبهه انطباق کبیر در صغیر (چگونه کوه با آن عظمت در ذهن کوچک جا می‌گیرد)، نظریه اضافه را مطرح کردند. اما فلاسفه مشاء (ابن‌سینا) با طرح تجرد صورت علمیه و سپس فیلسوفان حکمت متعالیه (ملاصدرا) با ارتقای آن به «اتحاد عاقل و معقول»، نشان دادند که علم از سنخ وجود است، نه صرفاً یک نسبت عرضی.

شرح شخصیت‌ها

- **امام فخر رازی:** متکلم و فیلسوف برجسته قرن ششم هجری. او در کتاب *المباحث المشرقیة*، دیدگاه‌های چالشی فراوانی در باب چیستی علم مطرح کرده و از مدافعان سرسخت تحلیل علم به عنوان «اضافه» در مقاطعی از اندیشه خود بوده است که بعدها توسط خواجه نصیر و ملاصدرا نقد شد.

واژه‌شناسی

- **نظریه اضافه (Relational Theory of Knowledge):** رویکردی که در آن فعل شناخت، فاقد محتوای بازنمایی‌کننده (Representational) درونی است و صرفاً یک پل ارتباطی نامرئی میان فاعل شناسا و عین خارجی است.
- **وجود ذهنی (Mental Existence):** نظریه بنیادین فلسفه اسلامی که معتقد است اشیاء علاوه بر وجود خارجی دارای آثار، دارای یک نحوه وجود در ظرف نفس (بدون آثار خارجی) هستند تا فرایند علم و آگاهی محقق شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱: «طلا» و «جیوه»** هر دو عناصری هستند که در جهان خارج وجود دارند. علم به آنها می‌تواند با نظریه اضافه توجیه شود، زیرا دو طرف رابطه (عالم و عناصر خارجی) موجودند. لذا این گزینه مثال نقض نیست.
- **تحلیل گزینه ۳:** محسوسات خارجی دقیقاً همان مواردی هستند که نظریه اضافه بر اساس آنها بنا شده است. علم به محسوس خارجی، مؤید نظریه اضافه است، نه ناقض آن.
- **تحلیل گزینه ۴: «اسب» و «نقاشی اسب»** نیز هر دو اموری دارای تحقق خارجی هستند (یکی جوهر و دیگری عرض/اصنعت در خارج). بنابراین علم به آنها خللی به نظریه اضافه وارد نمی‌کند.

نکات تکمیلی

در فلسفه تحلیلی معاصر و پدیدارشناسی هوسرل، مفهوم «*حيث التفاتی*» (Intentionality) یا جهت‌مندی آگاهی، شباهت‌های ساختاری با مبحث علم در فلسفه اسلامی دارد. فرانتس برنتانو نیز در مواجهه با مسأله «متعلقات ناموجود» (مثل کوه طلا)، نظریه «درونه‌مندی التفاتی» را مطرح کرد که از حیث دغدغه معرفت‌شناختی، با برهان فیلسوفان اسلامی برای اثبات وجود ذهنی هم‌راستا است.

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌های مربوط به وجود ذهنی و نظریه اضافه، کلمه کلیدی در ذهن داوطلب باید «معدومات و موهومات» باشد. به محض رؤیت کلمه «مثال نقض»، چشمان شما باید در گزینه‌ها به دنبال مفهومی بگردد که در دنیای واقعی وجود فیزیکی ندارد. کوه طلا و دریای جیوه (مفاهیم موهوم ترکیبی) سریع‌ترین و قطعی‌ترین مسیر برای رد سه گزینه دیگر است که همگی ناظر به موجودات واقعی هستند.



ایده برای مصاحبه دکتری

اگر در جلسه مصاحبه از شما خواستند تا وجود ذهنی را در حکمت متعالیه اثبات کنید، به جای ارجاع به ادراک حسی، فوراً بحث «علم به محالات ذاتی» (مانند اجتماع نقیضین) و «موهومات» را پیش بکشید. توصیه می‌شود برای تسلط بی‌رقیب بر این مبحث، مباحث «سفر اول، موقف اول» از کتاب *الاسفار الاربعه* ملاصدرا را با دقت مرور کنید تا بتوانید نشان دهید چگونه ضعف متکلمان در فهم نظریه اضافه، منجر به شکل‌گیری یکی از باشکوه‌ترین نظریات هستی‌شناسانه اسلامی شد.

۳. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به مبحث بنیادین «طبقه‌بندی حکما و جویندگان معرفت» در مقدمه کتاب *حکمة الاشراق* سهروردی اشاره دارد و شاکله اصلی معرفت‌شناسی مکتب اشراق را که مبتنی بر تلفیق و هم‌افزایی عقل و شهود است، مورد سنجش قرار می‌دهد.

پاسخ تشریحی

سهروردی (شیخ اشراق) در دیباچه کتاب *حکمة الاشراق*، سالکان و طالبان حکمت را بر اساس میزان بهره‌مندی آن‌ها از دو بال «بحث و استدلال عقلی» و «تأله و شهود قلبی» به طبقات مختلفی تقسیم می‌کند. از دیدگاه او، کمال حقیقی در فلسفه زمانی محقق می‌شود که فیلسوف ابتدا ذهن خود را با منطق و برهان (بحث) صیقل دهد و سپس با تصفیه باطن، به کشف و شهود انوار الهی (تأله) دست یابد. کسی که جامع هر دو کمال باشد، «حکیم متأله متبحر در بحث» نامیده می‌شود و از نظر سهروردی، ریاست تامه و خلافت الهی بر روی زمین منحصراً مختص اوست. بنابراین، بالاترین طبقه، متعلق به کسانی است که هم در استدلال عقلانی و هم در اشراق باطنی به غایت کمال رسیده باشند.

مستندسازی

سهروردی در مقدمه *حکمة الاشراق* در توصیف مراتب فلاسفه می‌نویسد:

«الرئاسة لا تكون إلا للمتأله المتبحر في البحث، فإن لم يتفق فالتأله المتوغل في التأله لا للباحث الذي لا تأله له...» (ریاست تامه الهی جز برای حکیم متأله‌ای که در بحث و استدلال نیز متبحر و عمیق باشد، سزاوار نیست. اگر چنین کسی در زمانه‌ای یافت نشد، این مقام از آن متأله‌ای است که در شهود غرق شده است، نه از آن فیلسوف باحثی که از تأله بی‌بهره است).

سیر تطور تاریخی

پیش از سهروردی، در مکتب مشاء (توسط بزرگانی چون فارابی و ابن‌سینا)، کمال فیلسوف صرفاً در توانمندی استدلالی و قیاسی (عقل نظری) تعریف می‌شد. در نقطه مقابل، صوفیه و عرفا تنها بر ریاضت و کشف تأکید داشتند و استدلال را پای چوبین می‌دانستند. سهروردی با ابداع مکتب اشراق، این دو مسیر تاریخی موازی را به هم گره زد و اعلام کرد که برهان بدون شهود، کور است و شهود بدون برهان، گنگ و مستعد لغزش. این سنت تلفیقی، بعدها توسط ملاصدرا به عنوان یک اصل روش‌شناختی پذیرفته شد و به اوج کمال خود در «حکمت متعالیه» رسید.

شرح شخصیت‌ها

- **شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شیخ اشراق):** فیلسوف نابغه قرن ششم هجری (مقتول در ۵۸۷ ق). او منتقد سرسخت انحصارگرایی عقلانیت‌مثنائی بود و با نگارش آثاری چون *حکمة الاشراق*، *التلویحات*، *المقاومات* و *المطارحات*، طرحی نو در سپهر اندیشه اسلامی درانداخت و فلسفه نوری-شهودی را پایه‌گذاری کرد.

واژه شناسی

- **تأله (Theosophy / Divine Wisdom):** در ادبیات اشراقی، تأله به معنای خداگونگی و رسیدن به درک مستقیم، حضوری و شهودی از حقایق نوری از طریق تصفیه نفس و تهذیب باطن است؛ مرتبه‌ای که فراتر از صرف دانستن مفهومی (Philosophy) قرار می‌گیرد و به «شدن» و «چشیدن» (ذوق) ارتقا می‌یابد.

بررسی سایر گزینه ها

- **تحلیل گزینه ۱:** قرار گرفتن در سلسله موجودات آسمانی (مانند عقول مجرده یا انوار قاهره) یک وضعیت تکوینی و ماهوی خارج از اراده و سلوک بشری است، در حالی که طبقه‌بندی مورد بحث سهروردی، ناظر به درجات کمال انسان‌های سالک و حکما در عالم خاکی است.



- **تحلیل گزینه ۲:** این گزینه منحصرأ توصیف‌کننده «حکیم باحث» (فیلسوفان مشائی) است. از نظر سهروردی این گروه در مراتب پایین‌تری از حکمای متأله قرار دارند، زیرا تنها به نیمی از حقیقت (استدلال مفهومی) دست یافته‌اند و از چشیدن طعم اصیل حقیقت در مقام شهود محرومند.
- **تحلیل گزینه ۴:** این گزینه توصیف‌کننده «حکیم متأله فاقد بحث» (عرفای بی‌بهره از منطق، نظیر بایزید بسطامی یا تستری) است. این گروه اگرچه از دیدگاه سهروردی از فلاسفه صرفاً باحث بالاترند، اما در بالاترین طبقه قرار نمی‌گیرند؛ زیرا فاقد ابزار منطقی برای تبیین عقلانی مشاهدات خود و دفع شبهات منکرین هستند.

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌هایی که به ماهیت معرفت‌شناسی مکاتب ترکیبی (اشراق سهروردی یا حکمت متعالیه ملاصدرا) می‌پردازند، کلمه کلیدی در گزینه‌ها عبارت است از «هم... و هم...» (جامعیت). گزینه‌هایی که تنها بر یک جنبه انحصاری تأکید می‌کنند (مانند گزینه‌های ۲ و ۴ که کمال را فقط در استدلال یا فقط در شهود می‌دانند)، تله‌های تک‌بعدی طراح هستند. با تشخیص این الگو، در کسری از ثانیه گزینه ۳ انتخاب می‌شود.

ایده برای مصاحبه دکتری

برای تسلط بی‌رقیب در جلسه مصاحبه پیرامون معرفت‌شناسی اشراقی، مطالعه تحلیلی «مقدمه حکمة الاشراق» به تصحیح هانری کربن اکیداً توصیه می‌شود. یک ایده بسیار جذاب برای تدوین پروپوزال دکتری، مقایسه تطبیقی «حکیم متأله جامع» در اندیشه سهروردی با ایده «فیلسوف-پادشاه» (Philosopher King) در جمهوری افلاطون است؛ تبیین اینکه چگونه سهروردی سیاست و کشورداری آرمانی را مستقیماً به اتصال با انوار الهی گره می‌زند.

۴. گزینه ۴

موضوع سوال: این سؤال به یکی از ظریف‌ترین مباحث هستی‌شناسی (آنتولوژی) در فلسفه اسلامی، یعنی تحلیل نحوه هستی «عرض» و رابطه وجودی آن با «موضوع» (جوهر پذیرنده عرض) می‌پردازد. تبیین دقیق کارکرد عرض در طرد عدم (از بین بردن نیستی)، کلید درک صحیح این گزاره است.

پاسخ تشریحی

در فلسفه اسلامی، موجودات امکانی به دو دسته جوهر (موجودی که در تحقق خود نیاز به موضوع ندارد) و عرض (موجودی که برای تحقق نیازمند موضوع است) تقسیم می‌شوند. وقتی یک عرض (مانند رنگ سفیدی، یا علم) به وجود می‌آید، دارای دو حیثیت است: نخست اینکه این عرض فی‌نفسه یک «حقیقت و وجود» است، پس با به وجود آمدنش، «نیستی مطلق» را از ماهیت خودش دور می‌کند (طرد عدم از ماهیت خود).

دوم اینکه چون عرض، وجودش متکی به غیر (لغیره) است، پس از تحقق در موضوع خود، یک ویژگی با کمال جدید به آن جوهر می‌بخشد. عرض نمی‌تواند اصل وجود موضوع را به آن بدهد (زیرا موضوع باید پیش از عرض موجود باشد تا بتواند آن را بپذیرد)، بلکه عرض، یک «عدم نعتی» یا «عدم مقید» را از موضوع طرد می‌کند. برای مثال، وقتی سفیدی (عرض) بر جسم (موضوع) عارض می‌شود، «نبود سفیدی» (نوعی از عدم) را از جسم طرد کرده و آن را تبدیل به «جسم سفید» می‌کند. از این رو، عرض سبب طرد عدم از ماهیت خود و طرد نوعی از عدم (عدم وصفی) از موضوع خود می‌شود.

مستندسازی

علامه طباطبایی در *نهایة الحکمة* در تبیین دقیق این قاعده (که ریشه در مبانی صدرایی دارد) می‌نویسد:

«وجود العرض فی نفسه هو عینه وجوده لموضوعه...» (وجود عرض در ذات خودش، عیناً همان وجودش برای موضوعش است).

این عبارت نشان می‌دهد که عرض به محض طرد عدم از خود (وجود فی‌نفسه)، بالضروره اثری در موضوع می‌گذارد که همان طرد عدم وصفی (وجود لموضوعه) است.

سیر تطور تاریخی

مبحث جوهر و عرض ریشه در منطق و مابعدالطبیعه ارسطو دارد. ابن‌سینا در مکتب مشاء، با تدقیق در مفهوم «موجود فی موضوع»، مرزهای عرض را شفاف‌تر کرد. اما این ملاصدرا بود که در حکمت متعالیه با طرح «وجود رابط» و «رابطه تضایف»، نشان داد که



وجود عرض، چیزی جز فقر و وابستگی به موضوع نیست و اثر آن در موضوع، صرفاً استکمالی (طرد عدم مقید) است نه ایجاد (طرد عدم مطلق).

شرح شخصیت‌ها

- علامه سید محمدحسین طباطبائی: فیلسوف نوصدرایی معاصر و صاحب دو کتاب مرجع *بدایة الحکمة* و *نهایة الحکمة*. او در این کتب، مباحث پیچیده اسفار را با زبانی تحلیلی و پیراسته بازنویسی کرد. تبیین‌های او در باب نسبت عرض و موضوع، امروزه مبنای طراحی بسیاری از سؤالات آزمون دکتری است.

واژه شناسی

- **جوهرگرایی (Substantialism):** دیدگاهی هستی‌شناختی که معتقد است واقعیت بنیادین جهان از جوهرها (هویت‌های مستقل و پایدار) تشکیل شده و اعراض (کیفیت‌ها، کمیت‌ها، زمان و مکان) صرفاً حالات و وابسته‌های طفیلی این جواهرند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱:** عرض سبب طرد عدم از صورتهای جوهری نمی‌شود. صورت جوهری (مانند صورت نباتی یا حیوانی) مقوم اصل وجود شیء است و پیش از اعراض و توسط علل ایجاد می‌آید، نه توسط عرض.
- **تحلیل گزینه ۲:** عرض سبب «موجود شدن» موضوع خود نمی‌شود. قاعده فلسفی می‌گوید: «ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المَثْبُوت له» (ثابت شدن یک چیز برای چیز دیگر، فرع بر این است که آن چیز دیگر از قبل موجود باشد). موضوع باید موجود باشد تا عرض بر آن عارض شود.
- **تحلیل گزینه ۳:** وجود عرض تنها سبب طرد عدم از ماهیت خود نمی‌شود (وجود فی‌نفسه)، بلکه چون «وجود لغیره» نیز هست، حتماً اثری در موضوع می‌گذارد (طرد نوعی عدم از موضوع). قید «تنها» در این گزینه عامل بطلان آن است.

نکات تکمیلی

در فیزیک مدرن، مفاهیمی چون «جرم»، «بار الکتریکی» و «سرعت» را می‌توان معادل‌های علمی اعراض در نظر گرفت. یک ذره زیراتمی (شبه جوهر) پیش از داشتن سرعت خاص، فاقد آن وصف (عدم مقید) است. عروض انرژی حرکتی بر آن، تنها «عدم سرعت» را از آن طرد می‌کند، نه اینکه به اصل آن ذره، وجود بنیادین ببخشد.

کادرهای جمع‌بندی

نوع موجود امکانی	نحوه وجود	اثر در خود ماهیت	اثر در موضوع	تقدم و تأخر
جوهر	وجود فی‌نفسه لنفسه	طرد عدم مطلق از ماهیت خود	نیاز به موضوع ندارد	مقدم بر عرض است
عَرَض	وجود فی‌نفسه لغیره	طرد عدم مطلق از ماهیت خود	طرد عدم نعتی (وصفی) از موضوع	متأخر از موضوع است

راه حل تستی

تکنیک رد گزینه: در سؤالات مربوط به علت و معلول یا جوهر و عرض، همواره به واژگان نشان‌دهنده «علیت ایجاد» حساس باشید. در گزینه ۲، عبارت «سبب موجود شدن موضوع» یک خطای فاحش فلسفی است، زیرا عرض معلول موضوع (در علت مادی) است و معلول نمی‌تواند علت خود را به وجود بیاورد. همچنین در گزینه ۳، کلمه حصرگرایی «تنها» یک هشدار جدی است که در ۹۰ درصد مواقع گزینه را باطل می‌کند. با حذف سریع این دو، تمرکز روی تفاوت ظریف گزینه‌های ۱ و ۴ باقی می‌ماند.

ایده برای مصاحبه دکتری

در جلسه مصاحبه، اگر بحث به هستی‌شناسی کشیده شد، می‌توانید با تفکیک میان «عدم محمولی» (نیستی مطلق) و «عدم نعتی» (نیستی یک صفت خاص) مهارت خود را در ادبیات فلسفی به رخ بکشید. توضیح اینکه چگونه «وجود لغیره» در اعراض، مقدمه‌ای برای نظریه «حرکت جوهری» ملاصدرا شد (زیرا تحول اعراض بدون تحول در ذات موضوع ممکن نیست)، یک ایده درخشان برای بحث و حتی پایه‌ریزی مقالات پژوهشی است.



۵. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال مستقیماً روی مرز میان «ادله اثبات» و «شبهات و اشکالات» در مبحث پیچیده «وجود ذهنی» دست گذاشته است. تشخیص اینکه کدام گزاره نقش سلبی (اشکال) و کدام گزاره نقش ایجابی (برهان) دارد، کلید حل این تست است.

پاسخ تشریحی

پس از آنکه فلاسفه برای توجیه فرایند ادراک، نظریه «وجود ذهنی» (حصول عین ماهیت شیء خارجی در ذهن) را مطرح کردند، متکلمان (به‌ویژه فخر رازی) شبهات و اشکالات منطقی سنگینی بر آن وارد ساختند. این اشکالات عمدتاً بر این محور می‌چرخیدند که اگر عین ماهیت خارجی به ذهن بیاید، تناقضات محالی رخ می‌دهد:

- **شبهه صدق کلی و جزئی (گزینه ۱):** صورتی که در ذهن است، از آن جهت که قابل انطباق بر افراد کثیر است، «کلی» است؛ اما از آن جهت که یکی از کیفیات نفسی شخصی من است، «جزئی» است. پس یک چیز واحد هم کلی است و هم جزئی، و این تناقض است.
 - **شبهه انقلاب ماهیت یا اندراج تحت مقولتین (گزینه ۳):** اگر ماهیت جوهر (مثل درخت) به ذهن بیاید، چون در موضوعی به نام ذهن قرار گرفته، تبدیل به «عرض» (کیف نفسانی) می‌شود. یعنی شیء واحد، ذاتاً هم جوهر است و هم عرض؛ در حالی که این دو، اجناس عالی و متباین هستند.
 - **شبهه اجتماع اضداد (گزینه ۴):** اگر انسان دو امر متضاد (مثل گرما و سرما، یا سیاهی و سفیدی) را همزمان تصور کند، ماهیت هر دو در ذهن او حاضر می‌شود. این بدان معناست که ذهن، محل اجتماع دو ضد شده است که عقلاً محال است.
- اما گزینه ۲ (علم به معدومات خارجی نداشته باشیم)، نه تنها اشکالی بر نظریه وجود ذهنی نیست، بلکه دقیقاً «دلیل» اثبات آن است. همان‌طور که در مباحث پیشین بررسی شد، ما به معدومات علم داریم (مثل کوه طلا). اگر نظریه وجود ذهنی را انکار کنیم، لازمه‌اش این است که علم به معدومات خارجی نداشته باشیم؛ پس برای توجیه علم به معدومات، ناگزیریم وجود ذهنی را بپذیریم.

مستندسازی

علامه طباطبایی در *نهاية الحکمة* در تقریر مهم‌ترین اشکال وجود ذهنی (شبهه جوهر و عرض) می‌نویسد: «إن القول بحصول الماهیات بأنفسها فی الذهن یستلزم کون الشیء الواحد جوهرأ و عرضاً معاً... و هو محال». (همانا اعتقاد به حصول خود ماهیات در ذهن، مستلزم این است که یک شیء واحد همزمان هم جوهر باشد و هم عرض... و این امر محال است). ملاصدرا تمام این اشکالات را با ابداع کلیدی تفکیک میان «حمل اولی ذاتی» (لحاظ مفهوم و ماهیت) و «حمل شایع صناعی» (لحاظ مصداق و وجود) حل کرد.

سیر تطور تاریخی

این اشکالات تا پیش از ملاصدرا به قدری لاینحل به نظر می‌رسید که برخی فلاسفه (مانند سید سند و تفتازانی) را مجبور به عقب‌نشینی کرد؛ تا جایی که ادعا کردند آنچه در ذهن می‌آید، «شبح و تمثالی» از ماهیت است، نه خود ماهیت. اما صدرالمتألهین در حکمت متعالیه، با تکیه بر اصالت وجود و تفکیک انحاء حمل، ثابت کرد که ماهیت جوهری در ذهن، به «حمل اولی» جوهر است، اما به «حمل شایع» یک کیف نفسانی (عرض) است و تناقضی در کار نیست.

شرح شخصیت‌ها

- **فخرالدین رازی:** متکلم نامدار اشعری که متبحر در طرح اشکالات لاینحل (تشکیکات) بر مبانی فلاسفه بود. او در آثار خود (مانند *المباحث المشرقیة*) مجموعه اشکالات وجود ذهنی را چنان مستحکم صورتبندی کرد که به نام «شبهات فخر رازی» مشهور شد و تا سه قرن، پاسخی قاطع در میان فلاسفه نیافت.

واژه‌شناسی

- **شبح‌گرایی (Representationalism/Illusionism در زمینه وجود ذهنی):** دیدگاهی که در اثر فشار شبهات وجود ذهنی شکل گرفت و معتقد بود صورت ذهنی، تنها تصویری مبهم و شبحی از شیء خارجی است که در ماهیت با آن مغایرت دارد. این مکتب ملاصدرا به دلیل فروپاشی اعتبار علم و افتادن در دام سفسطه، باطل اعلام شد.



نکات تکمیلی

مسئله چگونگی حضور اشیاء در ذهن بدون ایجاد تناقض، در فلسفه ذهن مدرن نیز تحت عنوان معمای «کیفیات ذهنی» (Qualia) و «مسئله ذهن-بدن» (Mind-Body Problem) به شدت مورد بحث است. اینکه چگونه مغز فیزیکی می‌تواند میزبان یک مفهوم انتزاعی یا کیفیات متضاد پدیداری باشد، صورت مدرن همان شبهاتی است که متکلمان قرون میانه بر فلاسفه اسلامی وارد می‌کردند.

کادرهای جمع‌بندی

عنوان شبهه	توضیح شبهه	پاسخ ملاصدرا (استفاده از تفکیک حمل)
جوهر و عرض	شیء ذهنی هم جوهر است هم عرض	به حمل اولی جوهر است، به حمل شایع عرض است
کلی و جزئی	صورت ذهنی هم کلی است هم جزئی	به حمل اولی (مفهوماً) کلی است، به حمل شایع جزئی است
اجتماع اضداد	ذهن محل حضور دو ضد می‌شود	اجتماع اضداد در صورتی محال است که دو ضد، وجود خارجی متضاد داشته باشند، نه وجود ظلی ذهنی

راه حل تستی

تفکیک میان‌بر: در سؤالاتی که حاوی افعال منفی (مانند «نیست») هستند، پیدا کردن گزینه‌ای که ماهیت گزاره‌ای متفاوتی دارد، راهگشاست. گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ همگی در حال بیان یک وضعیت پارادوکسیکال و محال عقلی (تناقض) هستند، در حالی که گزینه ۲ در حال بیان یک ویژگی قطعی و مثبت ذهن بشری (توانمندی درک معدومات) است. همین ناهمگونی ساختاری، گزینه ۲ را به عنوان پاسخ صحیح در نگاه اول برجسته می‌کند.

ایده برای مصاحبه دکتری

یکی از درخشان‌ترین مباحث برای ارائه در مصاحبه دکتری، تحلیل این امر است که چگونه ابداع منطقی ملاصدرا (تفکیک حمل اولی و حمل شایع)، گره کور معرفت‌شناسی اسلامی را باز کرد. تسلط بر تمایز این دو حمل و توانایی ارائه مثال‌های نقض بر اساس آن‌ها، شما را در چشم اساتید مصاحبه‌کننده، از یک «حفظ‌کننده مطالب» به یک «تحلیل‌گر فلسفی» ارتقا می‌دهد.

۶. گزینه ۳)

۷. گزینه ۱)

موضوع سوال:

این سؤال به یکی از محوری‌ترین مباحث علت فاعلی در هستی‌شناسی فلسفه اسلامی، یعنی «اقسام فاعل عالم» می‌پردازد. تشخیص دقیق مرزهای مفهومی میان انواع فاعل، بر اساس کیفیت علم، اراده و مهم‌تر از همه حضور یا عدم حضور «انگیزه زائد» (داعی زائد)، هسته اصلی این پرسش را تشکیل می‌دهد.

پاسخ تشریحی

فلاسفه اسلامی فاعل‌ها را بر اساس داشتن یا نداشتن علم و اراده به اقسام گوناگونی تقسیم کرده‌اند. در میان فاعل‌های عالم، «فاعل بالقصد» فاعلی است که برای انجام کار، پیش از عمل به آن علم و اراده دارد، اما علم و اراده او به تنهایی برای صدور فعل کافی نیست؛ بلکه نیازمند یک «انگیزه و غایت خارج از ذات» (داعی زائد) است تا او را از حالت قوه به فعل درآورد و به انجام کار برانگیزد. انسان در کارهای روزمره و افعال ارادی‌اش، بارزترین مصداق فاعل بالقصد است. ما برای آب نوشیدن، ابتدا آن را تصور می‌کنیم (علم)، سپس به فایده آن تصدیق می‌کنیم و چون ذاتاً فاقد آن کمال (رفع تشنگی) هستیم، انگیزه‌ای زائد بر ذاتمان شکل می‌گیرد تا فعل را انجام دهیم. عبارت صورت سؤال، دقیقاً تعریف کلاسیک فاعل بالقصد است.

مستندسازی

علامه طباطبایی در کتاب نه‌ایة الحکمة (مرحله هشتم، در اثبات علل و احکام آن‌ها) در تعریف این قسم می‌نویسد:

«الفاعل بالقصد، و هو الذى يفعل بإرادة و علم سابق على الفعل بداعٍ زائد، كالإنسان فى أفعاله الاختيارية...» (فاعل بالقصد، و آن کسی است که با اراده و علمی که پیش از فعل وجود دارد و با انگیزه‌ای زائد بر ذات، کار انجام می‌دهد؛ مانند انسان در کارهای اختیاری‌اش).

سیر تطور تاریخی

تقسیم‌بندی فاعل‌ها سیری تکاملی داشته است. ارسطو فاعل را عمدتاً در قالب علت حرکت (محرک) می‌دید. ابن‌سینا و مکتب مشاء، اقسام فاعل را گسترش داده و فاعل «بالعنايه» را (برای تبیین فاعلیت خداوند) ابداع کردند. سپس سهروردی در مکتب اشراق، فاعل «بالرضا» را افزود. در نهایت، ملاصدرا با معماری مجدد این مباحث، هشت قسم فاعل (بالطبع، بالقسر، بالقصد، بالجبر، بالتسخیر، بالعنايه، بالرضا و بالتجلی) را به صورت نهایی صورت‌بندی کرد و جایگاه فاعل بالتجلی را به عنوان عالی‌ترین مرتبه فاعلیت حق تعالی تثبیت نمود.

شرح شخصیت‌ها

- **انگیزه/داعی زائد (Added Motive):** در فلسفه، هرگونه غایتی که خارج از ذات فاعل باشد و فاعل برای رسیدن به آن (و رفع نقص خود) فعل را انجام دهد، داعی زائد نامیده می‌شود. انتساب داعی زائد به خداوند در فلسفه محال است، زیرا مستلزم نقص و استکمال در ذات غنی مطلق است.

واژه شناسی

- **غایت‌گرایی ارادی (Voluntaristic Teleology):** رویکردی که در آن افعال بر اساس یک قصد آگاهانه و معطوف به هدفی خارج از فاعل انجام می‌شود. این رویکرد چارچوب اصلی تحلیل افعال انسانی (فاعل بالقصد) در فلسفه و کلام است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۲ (بالعنايه):** فاعل بالعنايه (دیدگاه مشاء درباره خدا) پیش از فعل علم دارد، اما علم او به نظام احسن، عین داعی اوست و هیچ انگیزه زائدی در کار نیست.
- **تحلیل گزینه ۳ (بالرضا):** فاعل بالرضا (دیدگاه اشراق درباره خدا) علمی پیش از فعل دارد که عین ذات اوست و تفصیل افعال، عین خودِ اشیاء خارجی‌اند. در اینجا نیز داعی زائد وجود ندارد.
- **تحلیل گزینه ۴ (بالتجلی):** فاعل بالتجلی (دیدگاه حکمت متعالیه درباره خدا) فاعلی است که در مقام ذات، علم اجمالی در عین کشف تفصیلی به همه چیز دارد و فعل، تجلی همان علم ذاتی است؛ لذا از هرگونه غایت و داعی زائد منزّه است.

نکات تکمیلی

در علم کلام (برخلاف فلسفه)، متکلمان اشعری و معتزلی خداوند را «فاعل بالقصد» می‌دانند. آن‌ها معتقدند خداوند با اراده‌ای حادث و قصدی زائد بر ذات، جهان را خلق کرده است تا اراده و اختیار او (به معنای انسانی‌اش) حفظ شود. اما فلاسفه این دیدگاه را به شدت نقد کرده و آن را مستلزم تشبیه خداوند به انسان و راه یافتن نقص در ذات الهی می‌دانند. درک عمیق مفهوم «فاعل بالقصد» و مکانیسم عمل «داعی زائد»، حیاتی‌ترین پیش‌نیاز تئوریک برای ورود به قلب مباحث روان‌شناسی فلسفی است. در تدوین درس‌نامه مروری انتهای کتاب برای سؤالات ۶۶ تا ۸۰، تحلیل تخصصی و کالبدشکافی مبحث پیچیده «مبادی افعال اختیاری» دقیقاً بر روی همین فاعل بالقصد بنا می‌شود. سلسله‌مراتب فعل ارادی در انسان (مبادی شناختی نظیر تصور و تصدیق، و مبادی تحریکی نظیر شوق اکید و اراده)، چیزی جز شرح و بسط فرایند شکل‌گیری همین «داعی زائد» در نفس انسانی نیست. بدون فهم این سؤال عمومی، ساختار آن مباحث تخصصی کاملاً گنگ خواهد ماند.

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌های مربوط به انواع فاعل، کلمه «داعی زائد» یک شاه‌کلید انحصاری است. در تمام تاریخ فلسفه اسلامی، تنها و تنها یک فاعل است که با داعی زائد کار می‌کند و آن «فاعل بالقصد» است. به محض رؤیت این دو کلمه در صورت سؤال، بدون نیاز به خواندن بقیه گزاره، گزینه «بالقصد» باید در کسری از ثانیه انتخاب شود.



ایده برای مصاحبه دکتری

اگر در مصاحبه دکتری پیرامون صفات خدا از شما پرسش شد، تبیین «چرایی امتناع فاعلیت بالقصد در مورد حق تعالی» یک برگ برنده است. توضیح اینکه چگونه نسبت دادن «داعی زائد» به غنی بالذات، منجر به اثبات نقص و نیاز در او می‌شود و مقایسه انتقادی دیدگاه متکلمان با فلاسفه در این خصوص، نشان‌دهنده عمق درک شما از تفاوت‌های روش‌شناختی کلام و فلسفه خواهد بود.

۸. گزینه ۱)

موضوع سوال: این سؤال یکی از مهم‌ترین مباحث تاریخ فلسفه اشراق، یعنی رویکرد سهروردی به میراث باستانی ایران (حکمت خسروانی) و نحوه مواجهه او با مسئله «ثنویت» (دوگانه‌انگاری) را هدف قرار داده است. تبیین تفاوت میان ثنویت فلسفی-نوری زرتشت و ثنویت شرک‌آمیز مانی، محور اصلی این پاسخ است.

پاسخ تشریحی

شهاب‌الدین سهروردی خود را احیاگر «حکمت نوری» و سنت فکری فهلویون (حکمای ایران باستان مانند کیومرث، فریدون، کیخسرو و زرتشت) می‌داند. از آنجا که در آیین زرتشت از تقابل دو مبدأ «هورامزدا» (نور) و «اهریمن» (ظلمت) سخن به میان آمده، همواره در تاریخ کلام اسلامی اتهام شرک و ثنویت متوجه این آیین بوده است.

سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق برای دفاع از این حکمای باستانی، میان آیین اصیل زرتشت و آیین‌های انحرافی پس از آن (مانند آیین مانی و مزدک) تفکیک قائل می‌شود. او استدلال می‌کند که مقصود زرتشت از «ظلمت»، یک مبدأ وجودی مستقل و هم‌عرض با نور (خداوند) نبوده است؛ بلکه ظلمت در نگاه آنان صرفاً امری عدمی و به معنای «فقدان نور» است. از آنجا که خالق، تنها مبدأ نور است و عدم، نیازی به خالق ندارد، این دیدگاه کاملاً با «توحید» سازگار است. در مقابل، مانی و پیروانش، نور و ظلمت را دو جوهر مستقل، قدیم و هم‌تراز دانستند که با یکدیگر در جنگند. از دیدگاه سهروردی، این اعتقاد مانوی، ثنویت حقیقی و مصداق بارز «شرک» است.

مستندسازی

سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق با صراحت از حکمای ایران باستان دفاع کرده و می‌نویسد: «و حاشا أن یكون حکماء الفرس قائلین بالهین... و لم تکن ثنویتهم کثنویت المانویة و المجوس...» (حاشا که حکمای ایران قائل به دو خدا باشند... و ثنویت آن‌ها مانند ثنویت فرقه مانویه و مجوس منحرف نبوده است). او تأکید می‌کند که قاعده آن‌ها در باب نور و ظلمت، به توحید ذات نورالانوار منتهی می‌شود.

سیر تطور تاریخی

مسئله منشأ شر (Problem of Evil) همواره چالش برانگیز بوده است. پیش از سهروردی، ابن‌سینا و فلاسفه مشاء با فرمول «الشر إعدام» (شرور امور عدمی‌اند)، تلاش کردند دامن توحید خالق را از آفرینش شر پاک کنند. سهروردی همین فرمول هستی‌شناختی را با زبانی نمادین (نور و ظلمت) با تاریخ و حکمت ایران باستان گره زد و نشان داد که حکمت نوری زرتشت نیز در بطن خود، تفسیری عدمی از اهریمن داشته و موحدانه است.

شرح شخصیت‌ها

- **مانی:** بنیان‌گذار آیینی التقاطی در قرن سوم میلادی که ترکیبی از مسیحیت، بودیسم و زرتشتی‌گری بود. ثنویت او رادیکال و مبتنی بر اصالت دو اصل متضاد (نور و تاریکی) بود که هیچ‌یک بر دیگری تقدم ذاتی نداشتند.
- **حکمت خسروانی (خمیره فهلوی):** اصطلاحی که سهروردی برای اشاره به سنت فلسفی الهی و نوری پادشاهان و حکمای باستانی ایران به کار می‌برد و خود را وارث معنوی آن می‌داند.

واژه‌شناسی

- **ثنویت (Dualism):** در اینجا مراد ثنویت هستی‌شناختی و الهیاتی است؛ یعنی اعتقاد به دو مبدأ اصیل و مستقل برای پیدایش جهان (یک مبدأ برای خیرات و یک مبدأ برای شرور). ثنویت توحیدی (نگاه سهروردی به زرتشت) ثنویتی است که در آن مبدأ دوم صرفاً بعدی عدمی و سایه‌وار دارد.



بررسی سایر گزینه ها

- **تحلیل گزینه ۲:** این گزینه جای آیین‌ها را وارونه کرده است. مانی به هیچ وجه قائل به توحید نیست و ثنویت او بنیادین و شرک‌آلود است.
- **تحلیل گزینه ۳:** اگرچه سهروردی زرتشت را موحد می‌داند، اما مانی را به دلیل اعتقاد به دو اصل قدیم مستقل، مشرک می‌داند. پس حکم توحید شامل هر دو نمی‌شود.
- **تحلیل گزینه ۴:** این گزینه دیدگاه رایج متکلمان ظاهرین و ملل‌ونحل‌نویسان پیش از سهروردی است که بدون تحلیل عمیق، هر دو آیین را به یک چوب رانده و مشرک می‌دانستند. سهروردی دقیقاً برای رد همین گزینه ۴ (در مورد زرتشت) در مقدمه کتابش استدلال کرده است.

نکات تکمیلی

در کلام اسلامی، این مسئله در قالب تقابل فرقه «ثنویه» با «موحدین» صورت‌بندی می‌شود. متکلمین برای پاسخ به معمای شر، گاه به نظریه «کسب» (اشاعره) و گاه به «تفویض» (معتزله) پناه بردند. اما رویکرد سهروردی نشان می‌دهد که بهترین راه برای حل تنودیسه (عدل الهی)، رویکرد هستی‌شناختی ارجاع شر به امر عدمی (ظلمت) است که ریشه در حکمت باستان دارد. این تحلیل هستی‌شناختی از ماهیت نور (به عنوان کمال وجودی) و ظلمت (به عنوان نقص و عدم)، دقیقاً همان سنگ‌بنایی است که در تنظیم درس‌نامه کامل و جامع برای مطالعه مروری دانشجویان در آخر کتاب - به‌ویژه جهت ورود به سؤالات ۶۶ تا ۸۰ - به کار می‌آید. وقتی در آن بخش‌های تخصصی به تحلیل «مبادی افعال اختیاری» پرداخته می‌شود، درک اینکه چگونه نفس انسانی به عنوان یک لطیفه نوری به سوی کمال علمی و عملی شوق پیدا می‌کند و چگونه فعل ارادی او حرکتی از ظلمت فقدان به سوی نور وجدان است، کاملاً بر بستر همین هستی‌شناسی نوری و اشراقی استوار است.

کادرهای جمع‌بندی

آیین / مکتب	نگاه به مبدأ نور (خیر)	نگاه به مبدأ ظلمت (شر)	ماهیت ثنویت	دیدگاه سهروردی
زرتشت (حکمت خسروانی)	جوهر اصیل و خالق	امر عدمی، فقدان نور، تابع نور	ظاهری / مجازی	توحید ناب
مانی (مانویه)	جوهر مستقل و قدیم	جوهر مستقل، قدیم و درگیر با نور	حقیقی / رادیکال	شرک محض

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در برخورد با سؤالاتی که نام «سهروردی» در کنار آیین‌های ایران باستان می‌آید، باید به خاطر داشته باشید که سهروردی عاشق و احیاگر حکمت ایران باستان است. بنابراین محال است که آیین اصلی این حکمت (زرتشت) را به «شرک» متهم کند. با این اصل ساده، گزینه‌های ۲ و ۴ بلافاصله رد می‌شوند. از سوی دیگر، الحاد و انحراف مانی در تاریخ اسلام یک اصل مسلم است، لذا گزینه ۳ نیز رد می‌شود و مستقیماً به گزینه ۱ می‌رسیم.

ایده برای مصاحبه دکتری

برای درخشش در جلسه مصاحبه پیرامون این موضوع، ارجاع به آثار اسلام‌شناس بزرگ فرانسوی، هانری کربن (Henry Corbin)، بسیار کارگشاست. کربن در کتاب *اسلام/ایرانی* (جلد دوم)، دقیقاً روی همین نقطه دست می‌گذارد و نشان می‌دهد که چگونه سهروردی بدون افتادن در دام شرک مانوی، پیوند ناگسستنی میان ایران باستان و اسلام شیعی ایجاد کرد. طرح این ایده در مصاحبه، نشانگر وسعت مطالعات بین‌المللی شما در حوزه فلسفه اشراق خواهد بود.

۹. گزینه ۳

موضوع سوال: این سؤال به یکی از محوری‌ترین مباحث الهیات بالمعنی‌الاصح در فلسفه اسلامی، یعنی «چگونگی اتصاف ذات باری تعالی به صفات ذاتی» (نظیر علم، قدرت و حیات) می‌پردازد. تبیین تمایز دقیق میان «مفهوم» (آنچه در ذهن نقش می‌بندد) و «مصدق» (واقعیت خارجی)، کلید گشایش این معمای الهیاتی است.

- آکوئیناس، ت. (۲۰۱۰). *جامع الهیات (گزیده مباحث)* (گروه مترجمان، مترجم). انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب. (اثر اصلی منتشرشده در ۱۲۷۴).
- آکوئیناس، ت. (بی تا). *در باب وجود و ماهیت (De Ente et Essentia)*.
- آگوستین، ق. (۱۳۸۰). *اعترافات* (س. میثمی، مترجم). دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آستین، ج. ل. (۱۳۹۰). *چگونه با کلمات کار انجام دهیم* (ع. ظفر قهرمانی نژاد، مترجم). انتشارات مروارید.
- ابن رشد، م. ب. ا. (۱۹۸۶). *فصل المقال فیما بین الحکمة و الشریعة من الاتصال*. دار المعارف.
- ابن سینا، ج. ب. ع. (۱۳۷۵). *الإشارات و التنبيهات مع شرح نصیر الدین الطوسی* (۴ جلدی). نشر البلاغة.
- ابن سینا، ج. ب. ع. (۱۴۰۴ق). *الشفاء (المنطق، الطبیعیات، الإلهیات)* (به اهتمام ا. ف. مدکور). مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن سینا، ج. ب. ع. (بی تا). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*.
- ابن کمونه، س. ب. م. (بی تا). *شرح التلویحات*.
- ابوالبرکات بغدادی، ه. ب. ع. (بی تا). *المعتبر فی الحکمة*.
- ارسطو. (۱۳۵۶). *اخلاق نیکوماخوس* (س. پورحسینی، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- ارسطو. (۱۳۶۹). *درباره نفس (De Anima)* (ع. داودی، مترجم و محشی). انتشارات حکمت.
- ارسطو. (۱۳۷۸). *سماع طبیعی (فیزیک)* (م. ح. لطفی، مترجم). انتشارات طرح نو.
- ارسطو. (۱۳۸۵). *منطق ارسطو (ارغنون)* (م. ش. ادیب سلطانی، مترجم). انتشارات نگاه.
- ارسطو. (۱۹۹۵). *متافیزیک (ما بعد الطبیعه)* (ش. خراسانی، مترجم). انتشارات حکمت.
- اریوگنا، ی. ا. (۱۹۸۷). *درباره تقسیم طبیعت (De Divisione Naturae)*. انتشارات دمبارتن اوکس. (اثر اصلی متعلق به قرن نهم میلادی).
- اسپینوزا، ب. (۱۳۶۴). *اخلاق* (م. جهانگیری، مترجم). مرکز نشر دانشگاهی.
- افلاطون. (۱۳۸۰). *دوره کامل آثار افلاطون* (۴ جلدی؛ م. ح. لطفی و ر. کاویانی، مترجمان). انتشارات خوارزمی.
- افلوطین. (۱۳۶۶). *تاسوعات* (ح. ملکشاهی، مترجم). انتشارات سروش.
- بارکلی، ج. (۱۳۹۶). *رساله‌ای در باب اصول علم انسانی* (م. بزرگمهر، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- بکر، ل. (بی تا). *تاریخ فلسفه اخلاق*.
- بوئتیوس، آ. (۱۳۸۵). *تسلای فلسفه و ترجمه و شرح ایساغوجی* (س. میثمی، مترجم). انتشارات نگاه معاصر.
- پوپر، ک. ر. (۱۳۶۸). *حدس‌ها و ابطال‌ها* (ا. آرام، مترجم). شرکت سهامی انتشار.
- پوپر، ک. ر. (۱۳۸۰). *جامعه باز و دشمنان آن* (ع. فولادوند، مترجم). انتشارات خوارزمی.
- ترتولیانوس، ک. (۲۰۰۰). *درباره تجویز بدعت‌گذاران (De Praescriptione Haereticorum)* (در ترجمه گزیده متون کلام مسیحی). انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. (اثر اصلی متعلق به قرن سوم میلادی).
- دریدا، ژ. (۱۳۹۵). *مواضع: بررسی مفهوم دیفرانس و واسازی* (پ. یزدانجو، مترجم). نشر مرکز.
- دریدا، ژ. (بی تا). *درباره گراماتولوژی (نوشتارشناسی)* (م. پارسا، مترجم). نشر رخ داد نو.

- دکارت، ر. (۱۳۷۶). *اصول فلسفه* (م. صانعی دره‌بیدی، مترجم). انتشارات الهدی.
- دکارت، ر. (۱۳۸۱). *تأملات در فلسفه اولی* (ا. احمدی، مترجم). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دلوز، ژ. (۱۳۹۴). *تفاوت و تکرار* (ع. مشایخی، مترجم). نشر چشمه.
- دوانی، ج. م. ب. ا. (۱۳۸۱). *شواکل الحور فی شرح هیاکل النور* (ع. انصاری و م. محقق، مصححان). دانشکده الهیات.
- رازی، ف. م. ب. ع. (۱۳۶۴). *المباحث المشرقية فی علم الالهیات و الطبیعیات* (۲ جلدی). انتشارات بیدار.
- راسل، ب. (۱۳۶۵). *تاریخ فلسفه غرب* (ن. دریابندری، مترجم). نشر پرواز.
- راسل، ب. (۱۳۸۷). *دانش بشری: گستره و مرزهای آن* (م. بزرگمهر، مترجم). انتشارات نگاه.
- راسل، ب. (بی‌تا). *درباره دلالت (On Denoting)*.
- راسل، ب. و وایتهد، آ. ن. (۱۹۱۰). *مبانی ریاضیات (Principia Mathematica)*. انتشارات دانشگاه کمبریج.
- رایل، گ. (۱۳۸۸). *مفهوم ذهن* (ع. نودریپور، مترجم). انتشارات حکمت.
- رورتی، ر. (۱۳۹۴). *فلسفه و آینه طبیعت* (م. نوری، مترجم). نشر مرکز.
- ریکور، پ. (۱۳۹۶). *استعاره زنده* (ف. مجیدی، مترجم). نشر هرمس.
- سلامون، ر. (۱۳۹۲). *از پدیدارشناسی تا اگزیستانسیالیسم* (م. ج. صافیان، مترجم). انتشارات دانشگاه اصفهان.
- سبزواری، م. (۱۳۶۹). *شرح المنظومة (قسم المنطق و الحکمة)* (ح. حسن‌زاده آملی، مصحح و معلق). نشر ناب.
- سهروردی، ش. ی. (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق (حکمة الإشراف، التلویحات، المشارع و المطارحات، هیاکل النور)* (هـ کربن و س. ج. نصر، مصححان). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سارتر، ژ. پ. (۱۳۸۶). *تعالی اگو* (ع. مشایخی، مترجم). نشر ناهید.
- سارتر، ژ. پ. (۱۳۹۴). *هستی و نیستی* (م. بحرینی، مترجم). انتشارات نیلوفر.
- شورای برنامه‌ریزی سنجش آموزش کشور. (۱۴۰۵-۱۴۰۰). *دفترچه‌های رسمی آزمون‌های ورودی دوره دکتری تخصصی فلسفه (کد ۲۱۳۶)*. سازمان سنجش آموزش کشور.
- شوینهاور، آ. (۱۳۹۲). *جهان همچون اراده و تصور* (ر. ولی‌یاری، مترجم). نشر مرکز.
- شوینهاور، آ. (۱۳۹۹). *در باب بنیاد اخلاق* (ص. رستگار، مترجم). نشر نگاه معاصر.
- شهرزوری، ش. م. ب. م. (۱۳۸۰). *شرح حکمة الإشراف* (ح. ضیائی، مصحح). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیرازی، ص. م. (ملاصدرا). (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية* (با حواشی م. سبزواری؛ س. ج. آشتیانی، مصحح). انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- شیرازی، ص. م. (ملاصدرا). (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة* (۹ جلدی). دار إحياء التراث العربی.
- شیرازی، ص. م. (ملاصدرا). (بی‌تا). *شرح الهدایة الاثریة*.
- شیرازی، ق. م. ب. ض. (۱۳۷۹). *شرح حکمة الإشراف* (ع. نورانی و م. محقق، مصححان). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۴۲۲ق). *بداية الحکمة*. مؤسسة النشر الإسلامی.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۴۲۸ق). *نهایة الحکمة* (ع. زارعی سبزواری، مصحح و معلق). مؤسسة النشر الإسلامی.
- طباطبایی، س. م. ح. (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*.

- طوسی، ن. م. ب. م. (۱۳۷۵). شرح الإشارات و التنبيهات (نمط اول تا دهم). مطبعة الحیدری.
- طوسی، ن. م. ب. م.، و علامه حلی، ح. ب. ی. (بی تا). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد.
- غزالی، ا. م. (۱۴۱۴ق). تهافت الفلاسفة (س. دنیا، به کوشش). دار المعارف.
- فارابی، ا. م. ب. م. (۱۹۶۰). الجمع بین رأیی الحکیمین (ا. ن. نادر، مصحح). دار المشرق.
- فروریوس. (بی تا). رساله ایساغوجی (مدخل).
- فرگه، گ. (۱۳۶۷). مفهوم نگاری (Begriffsschrift).
- فرگه، گ. (۱۳۹۳). مبانی حساب (ط. جابری، مترجم). انتشارات ققنوس.
- فرگه، گ. (۱۳۹۵). جستارهای فلسفی (درباره معنا و مرجع / درباره مفهوم و شیء) (م. اردبیلی و ر. جهاننگلو، مترجمان). نشر هرمس.
- فوکو، م. (۱۳۹۲). دیرینه شناسی دانش (ع. سواری، مترجم). نشر گام نو.
- فوکو، م. (۱۳۹۸). تاریخ جنون (ف. ولیانی، مترجم). انتشارات هرمس.
- کاپلستون، ف. چ. (۱۳۸۸-۱۳۹۳). تاریخ فلسفه (جلدهای اول تا هفتم؛ ج. مجتبوی و دیگران، مترجمان). انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
- کانت، ا. (۱۳۶۲). نقد عقل محض (م. ش. ادیب سلطانی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.
- کانت، ا. (۱۳۶۹). بنیاد متافیزیک اخلاق (ح. عنایت و ع. قیصری، مترجمان). انتشارات خوارزمی.
- کانت، ا. (۱۳۸۱). نقد قوه حکم (سنجش نیروی داور) (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- کانت، ا. (۱۳۸۵). نقد عقل عملی (ا. رحمتی، مترجم). نشر نور الثقلمین.
- کربن، ه. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه اسلامی (ج. طباطبایی، مترجم). انتشارات کویر.
- کربن، ه. (۱۳۹۱). اسلام ایرانی: چشم اندازهای معنوی و فلسفی (جلد دوم: سهروردی و افلاطونیان پارس) (ر. کوهکن، مترجم). بنیاد حکمت اسلامی صدا.
- کریپکی، س. (بی تا). نام گذاری و ضرورت (Naming and Necessity).
- کواپن، و. و. ا. (۱۹۵۱). دو جزم تجربه گرایی. فلسفیکال ریویو، ۶۰(۱)، ۲۰-۴۳.
- کواپن، و. و. ا. (۱۳۹۲). کلمه و شیء (م. قرائی، مترجم). نشر ققنوس.
- کواپن، و. و. ا. (۱۳۹۴). از منظر منطقی (م. بزرگمهر، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- کواپن، و. و. ا. (بی تا). نسبیت هستی شناختی و مقالات دیگر (معرفت شناسی طبیعی شده).
- کواپن، و. و. ا. (بی تا). فلسفه منطق.
- کورنر، ا. (۱۳۸۹). فلسفه کانت (ع. فولادوند، مترجم). انتشارات خوارزمی.
- کی یرکگور، س. (۱۳۸۸). ترس و لرز (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- کنی، آ. (بی تا). آکوئیناس.
- گادامر، ه. گ. (۱۳۹۴). حقیقت و روش (ح. اسدی تبریزی، مترجم). نشر پرسش.
- لایبنیتس، گ. و. (۱۳۷۵). منادولوژی (Monadology) (ع. رشیدیان، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.

- لایبنیتس، گ. و. و کلارک، س. (۱۳۸۵). مکاتبات لایبنیتس و کلارک (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- لایکان، و. ج. (۱۳۹۱). فلسفه زبان: درآمدی معاصر (ا. دیوانی، مترجم). انتشارات طه.
- لویناس، ا. (۱۳۹۱). تمامیت و نامتناهی: رساله‌ای در باب برون‌بودی (م. علیا، مترجم). انتشارات هرمس.
- مالبرانش، ن. (۱۹۹۷). در جستجوی حقیقت (*De la recherche de la vérité*). انتشارات دانشگاه کمبریج. (اثر اصلی منتشر شده در ۱۶۷۴).
- مرلوپونتی، م. (۱۳۹۱). مرئی و نامرئی (*Le Visible et l'Invisible*).
- مرلوپونتی، م. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی ادراک (ک. فرهادیان، مترجم). نشر نی.
- مک‌گین، م. (۱۳۹۴). درآمدی بر پژوهش‌های فلسفی ویتگنشتاین (ی. علی‌خانی، مترجم). نشر پارسه.
- مور، ج. ا. (۱۳۹۶). مبانی اخلاق (*Principia Ethica*) (غ. توکلی و ع. عسگری یزدی، مترجمان). انتشارات سمت.
- میلر، ا. (بی‌تا). درآمدی بر فرااخلاق معاصر (*Contemporary Metaethics*).
- نیچه، ف. (بی‌تا). تبارشناسی اخلاق و فراسوی نیک و بد.
- هابز، ت. (۱۳۸۰). لویاتان (ح. بشیریه، مترجم). نشر نی.
- هایدگر، م. (۱۳۸۹). هستی و زمان (س. جمادی، مترجم). نشر ققنوس.
- هگل، گ. و. ف. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی روح (ب. پرهام، مترجم). انتشارات کندوکاو.
- هگل، گ. و. ف. (۱۳۹۷). عناصر فلسفه حق (م. ایرانی‌طلب، مترجم). نشر قطره.
- هگل، گ. و. ف. (۱۳۹۸). درس‌گفتارهایی درباره زیبایی‌شناسی (م. عبادیان و س. هومن، مترجمان). نشر امیرکبیر.
- هوسرل، ا. (۱۳۸۴). تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- هوسرل، ا. (۱۳۹۰). ایده‌هایی برای یک پدیدارشناسی محض و فلسفه پدیدارشناختی (کتاب اول) (ع. رشیدیان، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- هوسرل، ا. (بی‌تا). پژوهش‌های منطقی (*Logische Untersuchungen*).
- هوسرل، ا. (بی‌تا). بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی.
- هیوم، د. (۱۳۷۷). کاوش در مبانی اخلاق (م. مردیها، مترجم). انتشارات مینوی خرد.
- هیوم، د. (۱۳۹۱). رساله درباره طبیعت آدمی (ج. پیکانی، مترجم). نشر ققنوس.
- هیوم، د. (۱۳۹۲). کاوش در مبانی فهم بشری (م. بزرگمهر، مترجم). مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ویتگنشتاین، ل. (۱۳۸۰). پژوهش‌های فلسفی (ف. مجلسی، مترجم). شرکت سهامی انتشار.
- ویتگنشتاین، ل. (۱۳۸۶). رساله منطقی-فلسفی (تراکتاتوس) (م. ش. ادیب‌سلطانی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.